

## intellectual and social contexts of Romanticism in France and Iran based on Binavayan and Tehran-e Makhuf

Yahya Talebian<sup>1</sup>



Professor of Persian language and literature, Allameh  
Tabataba'i University, Tehran, Iran

Hadi Noormahammad  
Kamali<sup>2</sup>



PhD graduate of Persian language and literature, Allameh  
Tabataba'i University, Tehran, Iran

### Abstract

Many pioneers of modern fiction writing in Iran, particularly during the Constitutional Revolution and the Reza Shah era, were influenced by the West, most notably France, and demonstrated inclinations toward the literary school of Romanticism. Tehran-e Makhuf represents one of the Iranian social novels shaped by French Romanticism, especially Victor Hugo's Binavayan. Since attention to the intellectual and social contexts of a literary work is a key approach in literary criticism, this article examines, on the one hand, the intellectual and social foundations of Romanticism in France and the social structures governing that society, and, on the other hand, the intellectual and social contexts of Iran during the same period and its prevailing social structures, in order to draw a comparative analysis. Based on this comparison, a reassessment of Tehran-e Makhuf through the fundamental components of Romanticism reveals that, due to the absence of an appropriate context, the novel was unable to remain faithful to the school of thought and did not advance beyond imitation.

**Keywords:** Romanticism, social structure, Binavayan, Tehran-e Makhuf

**Corresponding Author:** ytalebian@gmail.com/Atu.hadi69@gmail.com

**How to Cite:** Y. Talebian, H. Noormahmadi Kamal. intellectual and social contexts of Romanticism in France and Iran based on Binavayan and Tehran-e Makhuf. Comparative and Interdisciplinary Studies of Literature, 2025, 1 (2), 139 - 158. doi: 0

Original research

Accepted: 22/05/2025

Received: 30/12/2024

ISSN:

EISSN:

## زمینه‌های فکری - اجتماعی رمانتیسیم در فرانسه و ایران بر مبنای روایت «بینوایان» و «تهران مخوف»

یحیی طالبیان<sup>۱</sup>  استاد زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

هادی نورمحمدی کمال<sup>۲</sup>  دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه علامه  
طباطبائی، تهران، ایران

### چکیده

بسیاری از پیشگامان داستان‌نویسی نوین در ایران (در دوره مشروطه و دوره رضاشاه) به تأثیر از غرب و بویژه فرانسه گرایشاتی به مکتب ادبی رمانتیسیم داشته‌اند. «تهران مخوف» یکی از رمان‌های اجتماعی ایران است که از رمانتیسیم فرانسه بویژه «بینوایان» ویکتور هوگو متأثر بوده است. از آنجایی که توجه به زمینه‌های فکری - اجتماعی خلق یک اثر یکی از روش‌های مهم نقد ادبی است، در این مقاله از سویی به بررسی زمینه‌های فکری - اجتماعی رمانتیسیم در فرانسه و ساختار اجتماعی حاکم بر آن جامعه پرداخته شده و از سویی دیگر با نگاهی به زمینه‌های فکری - اجتماعی ایران دوره مورد نظر و ساختار اجتماعی حاکم بر آن به مقایسه این دو کشور پرداخته شده است. به دنبال این مقایسه اگر بر مبنای مؤلفه‌های اساسی مکتب رمانتیسیم به بازبینی رمان «تهران مخوف» پردازیم، متوجه می‌شویم که به دلیل نبود بستر مناسب، این اثر به درستی نتوانسته است به این مکتب وفادار بماند و از حد تقلید فراتر نرفته است.

کلیدواژه‌ها: رمانتیسیم، ساختار اجتماعی، بینوایان، تهران مخوف

## ۱. مقدمه

پیشگامان داستان‌نویسی نوین ایران از نویسندگان غربی تأثیر بسیاری گرفته‌اند. این تأثیرپذیری تا جایی است که به عقیده برخی از منتقدان بسیاری از رمان‌هایی که در دوره مشروطه و رضاخان نوشته شده‌است، جنبه‌ای تقلیدی داشته‌اند تا اینکه خلأ قلم داشته‌اند. ۱ در این پژوهش به دنبال بررسی این مسأله هستیم که چگونه رمانتیسیم در کشوری مثل فرانسه تحت تأثیر مدرنیته و ساختار اجتماعی آن کشور ایجاد شده‌است. به بیانی مفاهیم مطرح در جهان اجتماعی قرن نوزده فرانسه و همچنین ساختار اجتماعی و بستر فکری آن کشور چگونه باعث شده است که رمانتیسیم شکل بگیرد، گسترش بیابد و آثار جاودانه‌ای خلق شود؟ در مقابل اگر نگاهی به رمان‌هایی بیندازیم که در دوره مشروطه و رضاخان به نگارش درآمده، متوجه می‌شویم که با وجود اینکه نویسندگان ما استعداد و آگاهی نسبی داشته‌اند، اساساً ساختار اجتماعی ایران شباهت چندانی به ساختار اجتماعی فرانسه قرن نوزدهم ندارد که خلق آثار رمانتیک در ایران نیز همان تأثیر و همان اهمیت را داشته باشد. به بیانی در این مقاله از مقایسه ساختار اجتماعی فرانسه و ایران به مقایسه رمانتیسیم در داستان‌نویسی این دو کشور رسیده‌ایم تا نشان دهیم که زمینه‌های فکری - اجتماعی و جهان‌بینی مسلط در یک جامعه تأثیر بسزایی در موفقیت یا عدم موفقیت یک مکتب ادبی دارد.

### ۱-۱. فرضیه‌های تحقیق:

نخستین فرضیه ما این است که گرایش به رمانتیسیم در ایران بسیار متأثر از رمانتیسیم فرانسه بوده‌است. ۲ فرضیه دوم این است که تهران مخوف نه تنها تحت تأثیر رمانتیسیم هوگو و رمانتیک‌های فرانسوی بوده‌است، بلکه در این پیروی از حد تقلید فراتر رفته و نتوانسته است که متنی متناسب با فضای اجتماعی ایران خلق کند. در نهایت مهم‌ترین فرضیه این مقاله این است که زمینه‌های فکری - اجتماعی خلق یک اثر تأثیر بسیار زیادی در موفقیت یا عدم موفقیت یک اثر ادبی دارد و با توجه به اینکه بسیاری از نویسندگان ایرانی در این دوره توجه چندانی به این مسأله نداشته‌اند، آثارشان تقلیدی است و از نظر مولفه‌های مکاتب غربی موفقیتی کسب نکرده‌اند.

### ۲-۱. پیشینه پژوهش

«سیر رمانتیسیم در اروپا، نوشته مسعود جعفری»: نویسنده در این کتاب به زمینه‌های رمانتیسیم در اروپا بویژه سه کشور انگلیس، آلمان و فرانسه پرداخته‌است. و در فصل‌های متفاوت سیر رمانتیسیم را در هریک از این کشورها مورد بررسی قرار داده‌است. «سیر رمانتیسیم در ایران، نوشته مسعود جعفری»: به دنبال کتاب پیشین، نویسنده چگونگی توجه ایرانیان به رمانتیسیم را مورد توجه قرار داده‌است. ابتدا به افرادی که در دوره مشروطه به رمانتیسیم

فرانسه توجه داشته‌اند، پرداخته، سپس به شاعرانی همچون نیما که به عنوان شاعری رمانتیک مشهورند، پرداخته‌است. در این دو کتاب به تأثیرپذیری نویسندگان ایرانی از رمانتیسم فرانسه بسیار گذرا اشاره شده و به‌خصوص در مورد مقایسه زمینه‌های رمانتیسم در این دو کشور و مقایسه «بینوایان» با «تهران مخوف» سخنی به میان نرفته‌است. «ریشه‌های رمانتیسم، نوشته آیزایا برلین»: نویسنده در این کتاب طرح جامعی از چگونگی شکل‌گیری و علل پیدایش رمانتیسم در اروپا ارائه کرده‌است. برلین از دیدگاه فکری و فلسفی به بررسی زمینه‌های رمانتیسم در قرن هجده و ادامه آن در قرن نوزدهم می‌پردازد. در این کتاب نیز تمرکز نویسنده بر رمانتیسم آلمان و انگلیس است. وی به تبیین آراء متفکرانی همچون «هردر»، «کانت»، «شیلر» و «فیخته» پرداخته‌است و در مورد رمانتیسم در «بینوایان» بحث مستقلی مطرح نکرده‌است.

### ۳-۱. روش

در این مقاله برای بررسی زمینه‌های فکری - اجتماعی رمانتیسم در فرانسه و ایران از دیدگاه ماتریالیستی به مقایسه ساختار اجتماعی حاکم بر دو کشور پرداخته شده‌است. سپس دو کتاب «بینوایان» و «تهران مخوف» از لحاظ وفاداری به مولفه‌های رمانتیسم بررسی شده، همچنین سازگاری یا عدم سازگاری و موفقیت یا عدم موفقیت این مولفه‌ها در جهان‌های اجتماعی دو کشور مورد بررسی قرار گرفته‌است. مبنای تمامی بحث‌ها داده‌های کتابخانه‌ای و ارجاع به دیدگاه‌های صاحب‌نظران و متون درجه اول است.

## ۲. مبانی نظری و اصطلاحات

### ۲-۱. ساختار فکری - اجتماعی ایران از گذشته تا دوره رضاخان:

بررسی مادی‌گرایانه تحولات سیاسی، اقتصادی و فکری - اجتماعی یک سرزمین با بهره‌گیری از منابع تاریخی را می‌توان به عنوان روشی مناسب برای آگاهی از بافت و بستر خلق یک اثر ادبی به‌شمار آورد.<sup>۳</sup> اگر بخواهیم مروری بسیار موجز و گذرا با دیدگاهی مادی‌گرایانه به تاریخ ایران داشته‌باشیم، سرزمینی که به نام ایران شناخته می‌شود از نظر جغرافیایی در موقعیتی قرار دارد که از دیرباز با کمبود آب مواجه بوده‌است. این کمبود یکی از دلایل اساسی زندگی ایلی (کوچ‌نشینی)، دوری روستاها و شهرها از هم و همچنین اهمیت تقسیم آب شده‌است (نک. زیباکلام، ۱۳۸۴: ۸۱ - ۸۳). این سه عارضه به عنوان عوامل بسیار تأثیرگذاری در شکل‌گیری نظام‌های پادشاهی و استبدادی در ایران بوده‌اند (نک. همان: ۹۵). بدین ترتیب یک‌سری عوامل جغرافیایی و طبیعی (ماتریالیستی) و از سویی دیگر عواملی ایدئولوژیک، همچون منشا الهی داشتن قدرت پادشاهان (نک. اکشلال و دیگران، ۱۳۷۵: ۱۹۶ و آبراهامیان، ۱۳۹۷: ۶۶) باعث شده‌است که در تمامی دوره‌های تاریخی ایران، نظام پادشاهی مطلقه سلطه داشته‌باشد.

از سویی دیگر مردم ایران در دوره قاجار و تا اوایل دوره رضاخان اغلب بی‌سواد بودند. حتی دانش باسوادان اندک هم به سواد حوزوی محدود می‌شد (نک. زیباکلام، ۱۳۹۴: ۴۸). مجموعه این عوامل باعث می‌شد با وجود اینکه از دوره مشروطه مفاهیمی همچون دموکراسی در میان روشنفکران مطرح بود، بستر اجتماعی ایران به هیچ وجه آمادگی طرح چنین مسائلی را نداشته باشد و حتی تلاش‌های روشنفکران، ایجاد مدرسه و انتشار روزنامه و غیره تا مدت‌ها فقط جنبه پیش‌زمینه‌ای داشت و درصد بسیار ناچیزی از ایرانیان را با این مفاهیم آشنا می‌کرد.

تحولات فکری - اجتماعی و سیاسی اروپا پس از عصر رنسانس باعث پیشرفت چشم‌گیری در کشورهای اروپائی شد و با تغییر مناسبات بین‌المللی، ایرانیان نیز در دوره قاجار به فکر تغییر و تحول افتادند که منجر به مشروطه‌خواهی شد. هدف از طرح این مباحث این است که با مقایسه زمینه‌های فکری - اجتماعی و ساختاری دو کشور ایران و فرانسه بتوانیم مقایسه‌ای دقیق و علمی از چگونگی گرایش به رمانتیسم در داستان‌نویسی این دو کشور داشته باشیم.

## ۲-۲. تاریخ فرانسه و تحولات فکری - اجتماعی آن پیش از رمانتیک‌ها:

اگر از دیدگاه ماتریالیستی بنگریم، کشور فرانسه همچون بسیاری از کشورهای اروپایی به دلیل اینکه شرایط اقلیمی متفاوتی با ایران داشته و با توجه به نظریه «تضاد نیروهای تولیدی» مارکس و در نتیجه قدرت‌گرفتن گروه‌های مخالف در جامعه، مستلزم تداوم نظام استبدادی نبود. بر مبنای آنچه زیباکلام در مورد دیدگاه مارکس بیان می‌کند و شرایط ایران را با آنچه در اروپاست، متفاوت می‌داند (زیباکلام، ۱۳۸۴: ۹۸). اما با نگاهی به تاریخ آن درمی‌یابیم که مجموعه‌ای از عوامل باعث شده‌است که در این کشور هم در برخی از دوره‌ها نظام استبدادی و پادشاهی مطلقه بر سر کار باشد. فرانسوی‌ها قبل از تسلط رومی‌ها و ورود مسیحیت، به عنوان نژاد گل شناخته می‌شدند.

پس از دوره تسلط رومی‌ها و هجوم وایکینگ‌ها و مجارها، با ورود فرانک‌ها به این سرزمین، نام فرانسه از این دوره به یادگار مانده است. این کشور همچون سایر کشورهای اروپائی قرون وسطی را تجربه کرده و قدرت مطلقه کلیسا بر آن تسلط داشته‌است. پس از متلاشی شدن امپراتوری روم، مردم برای رسیدن به امنیت جانی و مالی حاضر بودند به خدمت یک زورمند محلی دربیایند و این امر شالوده نظام اجتماعی فئودالیسم را بنا نهاد. «در قرون وسطی قدرت سیاسی پراکنده بود و بین فئودال‌های زمین‌دار، امپراتور و کلیسا تقسیم شده بود و پراکندگی قدرت از شکل‌گیری نظام‌های سیاسی استبدادی جلوگیری می‌کرد» (زهراکار، ۱۳۸۹: ۱۱۴). سپس «رشد تدریجی تجارت و بازرگانی باعث شد که در قرون دوازده و سیزده، زندگی شهری پس از سده‌ها رکود در حال احیا باشد» (همان: ۱۱۹).

در این دوره طبقه مرفهی از شهریان به نام بورژواها به وجود آمدند. این طبقه نقش مهمی در تحولات بعدی اروپا بویژه آغاز مدرنیته داشتند (همان: ۱۱۹). «از قرن دوازدهم به بعد بر تعداد مردم باسواد و تحصیل کرده به علت رشد شهرها افزوده گردید» (همان: ۱۴۵). در قرن هفدهم و هجدهم رشد ثروت بورژواها آن‌ها را به طبقه اقتصادی و اجتماعی مهمی تبدیل کرد، اما از اقدامات سیاسی و مشاغل مهم محروم بودند. بنابراین بورژواها در این دوره جهت کسب قدرت سیاسی، طبقه‌ای انقلابی محسوب می‌شدند (نک. همان: ۱۷۶).

مطلب مهم دیگر این است که به‌هرروی چه در دوره‌های اوج قدرت فرانسوی‌ها در اروپا و چه در زمان ضعفشان، فرانسه یکی از کشورهای مهم اروپا بود و مستقیماً در جریان عصر رنسانس و به دنبال آن صنعتی‌شدن قرار گرفت و باز هم می‌توان گفت که ناگزیر تحت تأثیر پیشرفت صنعت چاپ، بخش اعظمی از مردم این کشور به مرور باسواد شدند و به تبع آن آگاهی‌های جمعی افزایش یافت و مردم عادی بیش از پیش در جریان امور قرار می‌گرفتند و از سود و زیان خود آگاهی می‌یافتند. از آغاز مدرنیته که تقریباً هم‌زمان با گرایش‌های رمانتیستی هم هست، می‌توان به عنوان دوره گذار فرانسه یاد کرد:

«بدیهی است که اگر در اواخر قرن هجدهم، طبقه متوسط در جوامع اروپایی برتری نیافته بود، اشرافیت ریشه‌دار و قدیمی انگیزه چندان‌ی برای دست‌کشیدن از گرایش جمال‌شناختی کهن خود نداشت» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۶۰).

در واقع، رمانتیسم ویژگی این دوره گذار محسوب می‌شود. ظهور رمانتیسم هم‌زمان است با فروپاشی نظم کهن، وقوع انقلاب صنعتی، رشد شهرنشینی، رشد طبقه متوسط، گسترش سواد آموزی و تحولات دیگری که همگی پدیده‌های «نو» و بی‌سابقه‌اند و انسان کلاسیک با آن‌ها مأنوس نبوده است (همان: ۱۶۰).

نکته مهم دیگری که در پایان این مطلب قابل ذکر است، این است که اساساً رمانتیسم زائیده شرایطی بود که تحت تأثیر ایجاد طبقه متوسط قرار داشت و اگر این طبقه متوسط جدید نبود، مفاهیم مربوط به اشرافیت به راحتی در قالب کلاسیک قابل بیان بود و نیازی به تغییر مکتب وجود نداشت.

### ۳-۲. رمانتیسم ویکتور هوگو و کتاب «بینوایان»:

ویکتور ماری هوگو (۱۸۰۲ - ۱۸۸۵) شاعر، داستان‌نویس و نمایش‌نامه‌نویس بزرگ فرانسوی و یکی از بزرگ‌ترین رمانتیک‌های جهان است. «در دوران کودکی او امپراتوری ناپلئون سقوط کرده بود و در عصر «بازگشت سلطنت» نیز هنوز جوان بود، هنوز جای مشخص خود را در اجتماع نیافته بود و در مرزهای بورژوازی بی مال و مکنّت و اشراف بی‌لقب و عنوان نگران ایستاده بود» (مجلسی، ۱۳۹۰: دو).

آثار وی به بسیاری از اندیشه‌های سیاسی و هنری رایج در زمان خویش اشاره کرده و بازگوکننده تاریخ معاصر فرانسه است. او ابتدا سلطنت‌طلب بود، اما از دهه ۱۸۳۰ به آزادی خواهان پیوست (نک. مستعان، ۱۳۶۳: ۳۴ و ۳۸). در دهه ۱۸۴۰ فعالیت‌های سیاسی داشت و به خاطرش مدتی طولانی تبعید شد.

### ۱-۳-۲. مختصری در مورد رمانتیسم در فرانسه:

برای رمانتیسم سه دوره برشمرده‌اند: ۱- دورهٔ تکوین و آغاز که نماینده‌اش روسو بود. ۲- دورهٔ گسترش و بسط رمانتیسم. نمایندگان مهم آن شاتوبریان و دوموسه بودند. ۳- دورهٔ سوم؛ سال‌های اواسط قرن نوزده به عنوان سال‌های پایانی رمانتیسم است که به رئالیسم نزدیک می‌شود. نمونهٔ بارز آن «بینوایان» هوگوست (نک. احمري، ۱۳۷۴: ۶۲).

رمانتیسم در مرحلهٔ سوم ادبی، دورانی است که در واقع یک صبغه و ویژگی اجتماعی پیدامی‌کند و با مسائل اجتماعی مرتبط می‌شود و نسبت به وقایع سیاسی و اجتماعی حساس می‌گردد. [...] شخصیت‌هایی که در آثار دورهٔ سوم رمانتیسم مطرح می‌شوند، در زندگی عینی و اجتماعی درگیر هستند. فقر و بی‌عدالتی و نابرابری را می‌بینند. انقلاب‌ها را حس می‌کنند و حتی با آن همدردی نشان می‌دهند. در اعتراض‌های اجتماعی شریک و سهیم می‌شوند و شخصیتی زمینی‌تر، عینی‌تر، ملموس‌تر و کاراکتری ادبی‌تر پیدا می‌کنند (همان: ۶۳).

«رمانتیسم فرانسه در حدود سال‌های ۱۸۴۰ با گسترش وسیع‌تر جامعهٔ جدید، رشد صنعت، بحران‌های کارگری و اجتماعی و ... بیشتر به مسائل اجتماعی گرایید» (جعفری، ۱۳۷۸: ۲۶۵).

نخستین پرسش ما این است: اگر بخواهیم به دنبال مولفه‌های اساسی و مهم مکتب رمانتیسم در آثار ویکتور هوگو باشیم، چه چیزهایی را مشاهده خواهیم کرد؟

### ۳. یافته‌ها

#### ۱-۳-۱. اصول رمانتیسم و بازتاب آن در «بینوایان»

##### ۱-۱-۱. احساسات‌گرایی

احساسات‌گرایی در نیمهٔ دوم قرن هجدهم مبنایی فلسفی داشت. «عقل‌گرایی چندان بی‌پروا پیش تاخت که حس و شعور آدمی، آن‌چنان که در این‌گونه موارد پیش می‌آید، آن را چون دیواری رودرروی خود دید و به ناچار کوشید تا گریزگاه‌هایی دیگر بیابد» (برلین، ۱۳۸۵: ۸۷). «در فرانسه واکنش احساس‌گرایانه پس از عصر روشنگری، در نیمهٔ دوم قرن هجدهم، در آراء و آثار ژان ژاک روسو [۱۷۷۸ - ۱۷۱۲] به خوبی قابل مشاهده است» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۱۷).

در بخشی از مجادلهٔ اسقف «دینی» با کنوانسیونلِ مادی‌گرا می‌توانیم تا حدودی به این نتیجه برسیم که هوگو با بیان آن جهان‌بینی از زبان عضو سابق کنوانسیون و عدم مخالفتِ اسقف و تحسین نگرش مادی‌گرایانه، در عمل می‌خواهد نشان‌دهد که در نهایت این اخلاق و احساس است که باعث شده است در جامعه‌ای که عقل حاکم است روزنهٔ نوری برای رنج دیدگان قابل مشاهده باشد و این مسأله به مرور در تمامی رفتارهای اسقف دینی قابل درک و مشاهده است (نک. هوگو، ۱۳۹۰: ۴۶ - ۶۷).

هوگو در معرفی شخصیت اسقف دینی در بینوایان، بیش از هرچیزی رفتارها و تصمیمات وی را بر مبنای نوعی منطق دلی پایه‌گذاری می‌کند. به تعبیری شاید بتوان گفت که سخت‌گیری‌ها و قوانین خشک و بی‌انعطافی که در جاهای مختلف این رمان موجب رنج شخصیت‌ها و حتی گاهی موجب گمراهی و طرد آن‌ها از اجتماع می‌شود، نمایانگر همان تسلط خردگرایی باشد و نگرشی که راوی در تحلیل چنین شرایطی دارد عکس‌العملی احساسی و خردستیز محسوب می‌شود. به عنوان مثال هوگو در جایی دیگر در معرفی شخصیت ژان‌والژان و بیان چگونگی به زندان افتادن او به خاطر دزدین یک تکه نان بیان می‌کند: «وانگهی جرم او، که خود به آن معترف بود، مستوجب چنان مجازات سنگین و وحشیانه‌ای نبود» (هوگو، ۱۳۹۰: ۱۶۸). «آیا جامعهٔ بشری حق دارد که کوتاه‌اندیشی‌های نامعقول و دوراندیشی‌های بیرحمانه‌اش را به افراد خود تحمیل‌کند و جرم ناچیز انسان مفلوک و بیچاره‌ای را با چنان مجازات سنگینی پاسخ‌گوید؟» (همان: ۱۶۹).

هرچند نباید در بینوایان به دنبال آن مدل از احساسات‌گرایی خردستیز گشت، اما هم نمونه‌هایی از احساسات‌گرایی رمانتیک‌های پیشین و هم نمونه‌هایی از خردستیزی را به صورت جداگانه در این اثر می‌توان مشاهده کرد. نمونهٔ بارز گرایش هوگو به احساسات در جایی است که در بینوایان در توصیف بدبختی‌ها و رنج‌های «فانتین» روایت را تا جایی پیش می‌برد که این شخصیت از بیچارگی ابتدا مجبور می‌شود موهایش را بفروشد. سپس دو دندان زیبای خود را به خاطر نجات جان دخترش به دوره گرد حيله‌گری تسلیم می‌کند و در نهایت، جبرِ زندگی فانتین را تا جایی پیش می‌برد که به تن فروشی می‌رسد. در همین قسمت از داستان است که راوی این شخصیت مظلوم را در مقابل اشراف‌زاده و ژاور قرار می‌دهد و به کمک شخصیت اصلی دیگر (ژان‌والژان) به مبارزه با این ساختار اجتماعی معیوب می‌پردازد (نک. هوگو، ۱۳۹۰: ۳۸۶).

### ۳-۱-۲. فردگرایی

یکی از ویژگی‌های «انسان رمانتیک» فردیت اوست. به تعبیر جونز «مهم‌ترین عنصری که رمانتیسم به جهان مدرن هدیه داده این است که هر موجود انسانی از یک هویت ممتاز و خاص برخوردار است» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۹۰). فردگرایی پیش از هوگو و در دورهٔ روسو مورد توجه قرار گرفت. «تقریباً در این نکته اتفاق نظر وجود دارد که روسو بزرگ‌ترین کاشف خودآگاهی نسبت به تنهایی و انزوای فردی است» (همان: ۱۹۰).

کشف خود به عنوان فاعل شناسا «یکی از عمده‌ترین دستاوردهای رمانتیسم و پایه و مبنای جمال‌شناسی جدید است» (همان: ۱۹۱) و «مهم‌ترین زمینه اجتماعی ظهور این فردگرایی، درهم‌ریختن نظم و سامان کهن جامعه و پیدایش تقسیم کار و تحولات اقتصادی است» (همان: ۱۹۱)، بحثی که مختص به جامعه مدرن غرب است. و هوگو در بخشی از داستان بینوایان به شکلی نمادین به تغییر این نظام کهن اجتماعی اشاره می‌کند (نک. هوگو، ۱۳۹۰: ۲۷۵).

می‌توان گفت ژان والژان در بینوایان بیانگر تقابل فردیت با جامعه مدنی است. باریبه در تعریف مدرنیته سیاسی می‌گوید: «مدرنیته سیاسی به طور بسیار دقیق بر جدایی میان دولت سیاسی و جامعه مدنی، میان پهنه عمومی و پهنه خصوصی و میان شهروند و فرد استوار است» (باریبه، ۱۳۸۳: ۱۹). اگر به شخصیت‌های اصلی بینوایان دقت کنیم؛ به عنوان مثال ژان والژان، فانتین یا تناردیه هرکدام افرادی هستند از طبقه متوسط و پائین جامعه. افرادی که هوگو در عصر خود هر روزه با امثال آن‌ها برخورد داشته‌است. وقتی نویسنده‌ای شخصیت‌هایش را از میان افراد عادی جامعه انتخاب می‌کند؛ یعنی از آن نگرش کلاسیک و سنتی نسبت به شخصیت داستانی عبور کرده‌است. این خود گام بزرگی است در فردیت بخشیدن به انسان مدرن.

فرد باوری در جهان مدرن به قدری دارای اهمیت است که توجه به آن به عنوان یکی از گام‌های بزرگ در راه رسیدن به دموکراسی مطرح است. «پدران ما واژه فردباوری را که ما برای استفاده خود ساخته‌ایم، نمی‌شناختند، زیرا در روزگار آنان فردی که به گروهی تعلق نداشته باشد یا بتواند خود را به طور مطلق تنها بشمرد، یافت نمی‌شد» (همان: ۱۹۵).

در شاهنامه، سیمرغ به هنگام تولد رستم، ضمن توصیه زال به شکافتن پهلوی رودابه و بیرون آوردن نوزاد، استفاده از مشک را برای التیام زخم پهلوی مادر توصیه می‌کند:

گیاهی که گویمت با شیر و مشک بکوب و بکن هر سه در سایه خشک

بساو و برآلی بر خستگیش ببینی همان روز پیوستگیش

حزین لاهیجی با خلق تصاویری هنری به مرهم‌بودن مشک در التیام داغ‌ها و زخم‌ها اشاره کرده‌است:

### ۳-۱-۳. قهرمان رمانتیک

«قهرمان رمانتیک فردی است که دغدغه‌های فردی خود را با روح «عصر» درهم‌آمیخته است و مظهر امید دوران برای رهایی از وضع موجود و رسیدن به وضع آرمانی محسوب می‌شود» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۹۳). به تبعیت از مبحث فردگرایی، قهرمان رمانتیک کسی است که به تنهایی در مقابل اجتماع ایستاده و برای زندگی جدال می‌کند. در آثار کلاسیک قهرمان‌ها جنبه‌ای کمال‌گرا دارند و معمولاً از ویژگی‌های منحصربه‌فردی برخوردارند؛ اما در رمانتیسم نویسنده به سراغ قهرمان‌هایی می‌رود که خود بخشی از افراد عادی جامعه هستند و هیچ ویژگی منحصربه‌فردی ندارد. به تعبیری قهرمان رمانتیک معرف اکثریت رنج دیده جامعه است.

«در عصر رمانتیک اوج گرفتن فردیت و درهم ریختن نظام کهن زمینه را برای قهرمان گرایی آماده می‌کند؛ اصولاً این عصر دوره تجربه قهرمانی است» (همان: ۱۹۴). در بینوایان قهرمان اصلی یعنی ژان والژان، خود از طبقه فرودست و رنج کشیده جامعه است که حتی سواد هم ندارد و خواندن و نوشتن را در زندان می‌آموزد. همین‌طور فانتین و دخترش کوزت همگی از طبقه محروم و رنج کشیده جامعه هستند که به نوعی در تقابل با جامعه یا به تعبیری دیگر در موقعیتی هستند که جامعه در مقابل آن‌ها قرار گرفته است. این چیزی است که بحث فردگرایی و قهرمان رمانتیک را باهم پیوند می‌زند.

### ۳- ۱- ۴. انقلاب

مهم‌ترین دل بستگی‌ها و دغدغه‌های رمانتیک‌های اجتماعی را «می‌توان چنین برشمرد: انقلاب، آزادی و ناسیونالیسم محرومان و رنج‌هایشان» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۷۴).

اگر بخواهیم به زمینه‌های انقلاب‌های فکری اروپا و فرانسه توجه کنیم باید بگوئیم مباحثی از قبیل تغییر قدرت و سلطنت انتخابی و ایستادن در مقابل قدرت مطلقه زمینه‌های بسیار طولانی در تاریخ فرانسه دارد (نک. طباطبایی، ۱۳۸۲: ۳۴۲ - ۳۴۴). این مباحث که از قرن ۱۵ میلادی در اروپا مطرح شد، در تاریخ اروپا زمینه مهمی برای پیدایش نظام‌های دموکراتیکی است. چیزی که در قرن نوزده و بیست تنها نشانه‌هایی از آن در میان روشن فکران ایران بر سر زبان‌ها افتاد. بحث مهمی که نباید از آن چشم‌پوشید بحث بستر اجتماعی این نوع تفکرات است. یکی از دلایل مهم اینکه نظریه‌پردازان سیاسی همچون کوزانوس و کالون در سده‌های ۱۴ تا ۱۶ نتوانستند حکومت دموکراتیک را توصیه کنند (نک. همان: ۲۸۵، ۳۴۲ و ۳۷۲) یکی سیطره دین بود و دیگری بی‌سوادی عوام، زیرا یکی از اساسی‌ترین لوازم حکومت دموکراتیک داشتن مردمی آگاه است. چیزی که در ایران عصر مشروطه، نشانه‌ای از آن وجود نداشت. مهم‌ترین دلیل موفقیت اروپایی‌ها در دموکراسی آگاهی از این زمینه‌ها بود و مهم‌ترین دلیل شکست ایرانیان نیز بی‌توجهی به همین بستر.

به عقیده جعفری «رمانتیک‌های اجتماعی با شور و حرارت خارق‌العاده‌ای با تحولات انقلابی زمان خود همدلی و همراهی کرده‌اند. انقلاب فرانسه که در واقع، محصول مشترک خود روشنگری و آرمان رمانتیسم محسوب می‌شود در سرتاسر اروپا از جانب رمانتیک‌ها همچون رستاخیزی عظیم تلقی گردید که با شعار «آزادی، برابری، برادری» نظام کهن را ویران می‌کند تا نظام اجتماعی نوینی را بنا نهد» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۷۴). هوگو در نامه‌ای که به «سنت بو» در ایام جوانی نوشته بیان می‌دارد که هنوز زمان حکومت جمهوری فرانسیده است (هوگو، ۱۳۶۳: ۴۰). اما در نیمه دوم قرن نوزدهم همان‌طور که او پیش‌بینی کرده بود، زمان دست‌یابی به دموکراسی فرارسیده بود و گرایش‌های آزادی‌خواهانه را می‌توان از مفاهیم مورد تأکید وی در بینوایان دانست.

## ۳-۱-۵. محرومان و رنج‌دیدگان:

هوگو بارها به این مسأله که احقاق حقوق ضعفا از هر اعتقادی مهم‌تر است، پرداخته‌است. هرچند اساساً نیازی به ذکر مثال نیست، چراکه عنوان کتاب برای همین گروه انتخاب‌شده و سراسر رمان نیز توصیف رنج‌ها و دردهای بینوایان جامعه‌ای است که مدرنیسم را تجربه می‌کند. این کتاب توصیفی از جامعه‌ای صنعتی‌شده و در مسیر پیشرفت است که به جای اینکه در خدمت انسان‌ها و به‌خصوص محرومین باشد، استخوان‌های اقشار ضعیف را در زیر چرخ خود خرد می‌کند. در بخشی از بینوایان در بحثی که بین عضو سابق کنوانسیون و اسقف دینی ایجاد می‌شود، به دنبال جدال‌ها و اظهار نظرهای اعتقادی و سیاسی مهم‌ترین مسأله‌ای که از دیدگاه راوی اهمیت دارد این است که سعادت بشر و احقاق حقوق ضعفا از هر اعتقادی مهم‌تر است. تا جایی که اگر ستیزی در راه این احقاق حق، بین دین و قدرت حاکم و بینوایان درگیرد، وی جانب رنج‌دیدگان را می‌گیرد (نک. هوگو، ۱۳۹۰: ۸۱ - ۹۲).

## ۳-۲. اصول رمانتیسم و بازتاب آن در «تهران مخوف»

مرتضی مشفق کاظمی (۱۲۸۱ - ۱۳۵۶) نویسنده و روزنامه‌نگار و از پیشگامان رمان اجتماعی در ایران است. برخی تهران مخوف او را اولین رمان اجتماعی ایران دانسته‌اند که نویسندگان بسیاری از جمله محمد مسعود تحت تأثیر او بوده‌اند. رمان «تهران مخوف» از دیدگاه مکاتب ادبی به عنوان رمانی رمانتیک شناخته شده‌است. اهمیت این کتاب از نظر توصیف اوضاع سیاسی - اجتماعی روزگار پیش از رضاخان و دوره قدرت‌گیری او بسیار حائز اهمیت است. با وجود همه این ویژگی‌ها ما به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که آیا با بررسی این کتاب به عنوان نمونه‌ای از آثار رمانتیک می‌توان آن را به عنوان اثری موفق به حساب آورد یا نه؟

پیش از اینکه به سنجش وفاداری «تهران مخوف» به اصول مکتب رمانتیسم بپردازیم، لازم است که از دیدگاهی کلی‌تر به مکتب رمانتیسم بنگریم و این پرسش را مطرح کنیم که آیا اساساً مکتب رمانتیسم در جهان سوم و کشوری مثل ایران جایگاهی دارد یا خیر؟

برخی از منتقدان از جمله خانلری و شریعتی بر این عقیده هستند که مکاتب ادبی غربی جامعه‌ای است که تنها بر قامت آن جوامع دوخته شده‌است و هیچ مناسبتی با جهان اجتماعی کشورهای جهان سومی مثل ایران ندارد و عده‌ای نیز بر این عقیده هستند که نهایتاً می‌توان جنبه‌هایی از آن مکاتب را در آثار ایرانی یافت (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۲). جعفری تا حدودی دیدگاهی مخالف خانلری و شریعتی اتخاذ کرده و معتقد است رمانتیسم یعنی ضدیت با سرمایه‌داری و اگر اینچنین مسأله‌ای در جوامع جهان سومی وجود داشته باشد، می‌توان گفت که رمانتیسم هم در آن جوامع حضور دارد (جعفری، ۱۳۷۸: ۳۵۸)؛ اما باید در نظر داشت که علاوه بر ضدیت با سرمایه‌داری عوامل دیگری هم در گرایش به رمانتیسم دخیل است؛ به عنوان مثال زهراکار رشد ناسیونالیسم، رفاه و خودآگاهی فزاینده طبقه متوسط و افزایش باسوادان را از عوامل مهم گرایش به رمانتیسم ذکر کرده‌است (زهراکار، ۱۳۸۹: ۱۶۱).

اگر نگاهی به تاریخ نگارش «تهران مخوف» بیندازیم، متوجه می‌شویم باوجود اینکه برخی از روشنفکران ایرانی با این مفاهیم آشنایی دارند و حتی به دنبال ایجاد زمینه‌هایی برای شکوفایی چنین مفاهیمی هستند؛ اما در عمل ایران ۱۳۰۰ شمسی (۱۹۲۰ میلادی) به هیچ وجه قابل مقایسه با فرانسه ۱۸۰۰ میلادی نیست. با توجه به این توضیحات می‌توان ادعا کرد که این مکاتب هیچ سازگاری با جهان اجتماعی کشوری مثل ایران ندارند و تنها می‌توان به دنبال شباهت‌هایی بین این آثار و آثار اصیل خلق شده در آن مکاتب یافت که آن هم بیش از هر چیزی جنبه‌ای تقلیدی داشته است تا اینکه مبنایی فکری و فلسفی داشته باشد.

به هر روی گرایش به رمانتیسم در ایران امری غیر قابل انکار است. به عقیده آدمیت «ملی‌گرایی» و «دموکراسی» از جمله عوامل گرایش ایرانیان به رمانتیسم است که تحت تأثیر ادبیات فرانسه بود (نک. ۱۳۹۴: ۱۷). جعفری معتقد است نگارش بسیاری از رمان‌های تاریخی و توجه به رمانتیسم اجتماعی در دوره مشروطه و پس از آن تحت تأثیر اندیشه‌های آزادی‌خواهانه و انقلابی و توجه به محرومان در فرانسه بوده که در آثار رمانتیک بازتاب داشته است (نک. جعفری، ۱۳۸۶: ۳۴ و ۴۱). در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که گرایش به رمانتیسم در ایران بیش از هر چیز دیگری تحت تأثیر جریان‌های فکری - اجتماعی و ادبی فرانسه بوده است.

تهران مخوف را می‌توان از چند جنبه بررسی کرد. در این جا از مولفه‌هایی همچون «احساسات‌گرایی»، «فردگرایی» و «قهرمان رمانتیک» و توجه به «رنج‌دیدگان» اجتماع برای سنجش این اثر از نظر مکتب ادبی رمانتیسم بهره گرفته ایم.

### ۳-۲-۱. احساسات‌گرایی

یکی از ویژگی‌های اصلی رمانتیسم دوره اول احساسات‌گرایی است که ژان ژاک روسو نماینده آن است (نک. احمدی، ۱۳۷۴: ۶۲)؛ اما در آثار دوره سوم بویژه بینوایان هم می‌توان این گرایش را یافت. در ایران نیز نمونه‌های بسیاری می‌توان یافت که به جنبه احساساتی رمانتیسم توجه داشتند. یوسف اعتصام‌الملک اولین مترجم بینوایان (تیره‌بختان) از نخستین افرادی است که به قطعه‌های ادبی رمانتیک و احساسی توجه داشت. «قدیم‌ترین نمونه‌های قطعه‌های داستانی رمانتیک و پراحساس را در شماره‌های سال اول مجله بهار به مدیریت اعتصام‌الملک می‌توان مشاهده کرد» (جعفری، ۱۳۸۶: ۵۱). داستان کوتاه یا قطعه روایی «همشیره» «مضمون فقر و فضیلت و عفت و فداکاری را به شیوه صریح و پراحساس و جانبدارانه بازگویی کند» (همان: ۵۱). نمونه دیگر «بیچاره مادر» نوشته احمد حکمت است که آن هم در مجله بهار منتشر شد (همان: ۵۳). هرچند جعفری رمانتیسم دوره اول (دوره مشروطه) را که شامل موارد فوق‌الذکر هم می‌شود طبیعی‌تر و خودجوش‌تر می‌داند و براین عقیده است که هنوز به سبک و شیوه تقلیل‌نیافته و نسبت به رمان‌های بعدی غیر احساسی است (همان: ۳۰)؛ اما در اغلب آثار رمانتیک این دوره و دوره رضاخان احساسات‌گرایی یکی از مشخصه‌های اصلی داستان‌ها و رمان‌هاست. در تهران مخوف هم گرایش‌های احساسی جابه‌جا به چشم می‌خورد.

وفاداری و عفت قهرمانان رمان‌های رمانتیک از دیگر ویژگی‌های رمان احساساتی است (همان: ۴۸) که در تهران مخوف نمونه‌های بارز آن «فرخ» و «عفت» هستند.

به عقیده جعفری مضمون اصلی بیشتر رمان‌های احساساتی قرن هجدهم «فضیلت تحت ستم» است (همان: ۷۷). در تهران مخوف شخصیت اصلی داستان یعنی فرخ با وجود پاک‌نهادی دچار رنج بسیاری می‌شود و همچنین عفت که دختر معصومی است، از بد روزگار و سرنوشت شوم از روسپی خانه سردر می‌آورد. پیش از هرچیزی باید توجه داشت که مبنای احساسات‌گرایی رمانتیسم چه بود؟ «عصر احساس از یک جهت، عکس‌العملی طبیعی بر علیه عصر خرد و ارج‌گذاری بیش از حد خردگرایان به آگاهی بود» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۱۴).

در معرفی بینوایان نمونه‌هایی از خردستیزی هوگو را بیان کردیم. اگر به ساختار اجتماعی دوره خلق تهران مخوف بازگردیم، متوجه می‌شویم ایران پیش از رضاخان اساساً عصر خردی را پشت سر گذاشته است که احساسات‌گرایی به عنوان جدالی با این جهان‌بینی و فلسفه اجتماعی به پا خاسته باشد. به عقیده برخی «آخوندزاده» با «ولتر» مقایسه شده است (نک. جعفری، ۱۳۸۶: ۳۲)، اما باید در نظر داشت که افرادی همچون آخوندزاده و ملک‌خان تنها طرح‌هایی از روشنگری را برای ایرانیان ترسیم کردند و حتی دهه‌ها بعد تنها برخی از نویسندگان و تحصیل‌کردگان غرب توانستند این نوع تفکر را بفهمند و بدان گرایش داشته باشند و این بسیار فاصله دارد با آن چیزی که به عنوان مثال در کشوری مثل آلمان یا فرانسه تجربه می‌شد. به نحوی که این نوع تفکرات در میان جامعه و اقشار متوسط و کم‌سواد هم حامیان پرو پا قرصی داشت و می‌شد از آن به عنوان تفکر اجتماعی مسلطی یاد کرد که در دوره رمانتیک‌ها بدان حمله شد.

اکنون ببینیم علل پیدایش چنین دگرگونی حساسیت افراد در نیمه دوم قرن هجدهم چه بود؟ البته ذکر تمامی این علل دشوار است، لکن باید آن را معلول پیشرفت تمدن به طور کلی و صدها عامل و موجبات اقتصادی و سیاسی دانست، چنین تحولی بی‌شک نتیجه قهری کهولت تمدنی است که از درستی به نرمی و حساسیت گرائیده و در پی مجادلات بسیار، پس از آنکه عقل را بر تخت شاهی نشانده، دل را نیز حقوقی از جمله آزادی بخشید تا نهفته‌های خویش را ابراز دارد (وان تیژم، ۱۳۷۰: ۱۲).

«از لحاظ فکری در ایران آستانه مشروطه چیزی وجود ندارد که قابل مقایسه با میراث عظیم روشنگری باشد» (همان: ۳۱). بنابراین احساسات‌گرایی رمانتیک‌ها در ایران مبنایی اندیشگانی نداشته و تا حد زیادی به شکلی تقلیدی و متأثر از آثار رمانتیک‌های اروپایی و بویژه فرانسوی بوده است.

### ۳-۲-۲. فردگرایی و قهرمان رمانتیک:

به گفته دورکیم: «آرمان‌های فردگرایی مبین پیدایش نوع جدیدی از نظم اجتماعی هستند که به نحو فزاینده‌ای از قالب‌های سنتی جامعه که محافظه‌کاران از آن‌ها دفاع می‌کنند فراتر خواهد رفت» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۹۱).

همان طور که بیان شد اساساً ساختار اجتماعی ایران در دوره مورد نظر تغییری اساسی را پشت سر نگذاشت. با وجود مشروطه خواهی که آن هم به شکست انجامید، اساساً جامعه ایرانی نتوانست دوره سنتی را پشت سر بگذارد و تقریباً تمامی مفاهیمی که در مورد جهان مدرن و نوشتن مطرح بود در حد تئوری باقی ماند.

یکی از ویژگی های «انسان رمانتیک» فردیت اوست. به تعبیر جونز «مهم ترین عنصری که رمانتیسیم به جهان مدرن هدیه داده این است که هر موجود انسانی از یک هویت ممتاز و خاص برخوردار است» (همان: ۱۹۰). در مقابل این دیدگاه باید متذکر شد که جهان اسلام با مدرنیته سیاسی (که فردیت مهم ترین مشخصه آن است) ناآشناست؛ زیرا دین اسلام به شدت به بعد اجتماعی خود اهمیت می دهد (نک. باریه، ۱۳۸۳: ۳۲۶).

دین اسلام دارای الزامات اجتماعی و سیاسی است و بر طبق فرمول کلاسیک هم دین است و هم دولت (به عربی دین و دوله) در نتیجه امت دینی می خواهد بر باهمستان سیاسی منطبق شود. پیداست که تبعیت فرد از امت دینی به طور طبیعی فرمان برداریش از باهمستان سیاسی را در پی دارد. به دیگر سخن تقدم و برتری گروه بر فرد هم در پهنه سیاسی خود می نماید و هم در پهنه دینی (همان: ۳۲۸). مشفق کاظمی اساساً با شخصیت پردازی مدرن آشنا نیست و این یکی از بزرگترین معایب این کتاب است (نک. میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۷۹). به علاوه در خصوص فردیت شخصیت های تهران مخوف باید گفت که شخصیت های اصلی این رمان، یعنی فرخ، مهین و عفت همگی از خانواده هایی اشرافی هستند (نک. همان: ۵۷) و این کاملاً مباین با آن شخصیت پردازی جدید در رمانتیسیم است. «پدران ما واژه فردباوری را که ما برای استفاده خود ساخته ایم نمی شناختند؛ زیرا در روزگار آنان فردی که به گروهی تعلق نداشته باشد یا بتواند خود را به طور مطلق تنها بشمرد، یافت نمی شد». توکویل بر این باور است که حرکت به سوی برابری و دموکراسی، این فردباوری را پدید آورده است: «فردباوری خاستگاهی دموکراتیک دارد و به نسبتی که موقعیت ها برابر می شوند خطر گسترش آن افزایش می یابد» (باریه، ۱۳۸۳: ۱۹۵).

این ضعف در شخصیت پردازی بویژه در معرفی قهرمان های داستان جلوه نامطلوبی دارد. در بحث قهرمان رمانتیک گفته شد که با توجه به فردگرایی و تغییر ساختار اجتماعی فرانسه، قهرمان ها از میان طبقات پائین جامعه بودند، اما در تهران مخوف با وجود اینکه نویسنده سعی دارد به بطن جامعه نفوذ کند و آن فردگرایی را در توصیف قهرمان به کار گیرد، به دلیل نبود زمینه های اجتماعی، موفق عمل نکرده است. به نحوی که حتی ناخودآگاه همچون قصه گویان سنتی از قهرمان اصلی داستان (فرخ) بارها با عنوان «پهلوان حکایت» نام می برد (نک. مشفق کاظمی، ۱۳۴۰: ۱۹۰ و ۳۶۷). این قهرمانان برخلاف قهرمان رمانتیک بویژه قهرمانان بینوایان تک بعدی هستند (کاملاً خوب یا کاملاً بد) (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۶۰).

به نحوی که در بخشی از رمان علناً در معرفی همین شخصیت به عنوان کسی که از «صفات برجسته» و «مزایای اخلاقی» برخوردار است، یاد می‌کند (نک. مشفق کاظمی، ۱۳۴۰: ۲۲).

در بینوایان از وجود کارخانه‌ها و کارگرهای کارخانه‌ها و صنعتی شدن سخن به میان می‌آید و بیشترین حجم این داستان مختص توصیف این‌گونه از زندگی و چالش‌های مربوط به این سبک از زندگی است. به نحوی که تقریباً تمامی شخصیت‌های ستم‌دیده این رمان قربانی مدرنیته و صنعتی شدن هستند، اما در تهران مخوف تنها نشانه‌هایی از فساد، در گوشه شهری که نه کارخانه‌ای دارد و نه نشانه‌ای از صنعت و مدرنیته، دیده می‌شود که به تقلید کوشیده است تا شخصیت‌هایی مشابه شخصیت‌های بینوایان بسازد.

همین‌طور محمد مسعود از کسانی که دنباله‌رو مشفق کاظمی است، به خصوص در رمان تفریحات شب بسیار متأثر از بینوایان است و شخصیت‌های اصلی داستان بی‌شک از بخش فانتین بینوایان الگو برداری شده است. در رمان تفریحات شب همچون رمان تهران مخوف یکی از بن‌مایه‌های اساسی داستان فضیلت تحت ستم است که نویسنده بارها بدان اشاره می‌کند (نک. مسعود، ۱۳۸۴: ۴۱ و ۴۳). حتی به نحو بارزتری رمان گلهایی که در جهنم می‌رویند عنوانی است که این بن‌مایه را مستقیماً ابراز می‌دارد. در تهران مخوف هم نویسنده سعی دارد به این بُعد از قهرمان‌پردازی بینوایان توجه داشته باشد؛ اما از تقلیدی کودکانه و پندهایی مبتدیانه نمی‌تواند فراتر رود. «کم کم معتقد می‌شد که در جامعه امروزی فرد نیکخواه و نیکورفتار سرنوشتی جز تحمل ظلم و ستم ندارد» (مشفق کاظمی، ۱۳۴۰: ۱۸۷).

### ۳-۲-۳. انقلاب و ناسیونالیسم

همان‌طور که ذکر شد، مهم‌ترین دلبستگی‌ها و دغدغه‌های رمانتیک‌های اجتماعی را «می‌توان چنین برشمرد: - انقلاب، آزادی و ناسیونالیسم، - محرومان و رنج‌هایشان، - افق روشن آینده» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۷۴). شعارهای رمانتیک انقلاب فرانسه در رمانتیکسم دوره اول ایران (دوره مشروطه) تأثیر بسیاری داشت. به عنوان مثال؛ «بر روی آرم صفحه اول چندین نشریه این دوران از جمله روزنامه تشویق و صور اسرافیل عبارت «حریت، مساوات، اخوت» نقش بسته است» (جعفری، ۱۳۸۶: ۳۴).

انقلاب فرانسه به تدریج مرزهای اروپا را درنوردید و در سراسر جهان تأثیر نهاد. این انقلاب نخستین نهضت بزرگ فکری در مسیحیت غربی است که اثری ملموس و واقعی و فوری بر جهان اسلام داشت. در نیمه دوم قرن نوزدهم و با الهام از انقلاب فرانسه کلمه «وطن» در ترکیه عثمانی به تدریج معنای جدید و امروزی خود را پیدا کرد و از دلالت بر زادگاه یا محل اقامت افراد فراتر رفت و همچنین کلمه «آزادی» که قبلاً لفظی حقوقی و متضاد با «بردگی» بود معنایی سیاسی به خود گرفت (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۷۶).

مفهوم وطن و میهن که پیش از مشروطه به تدریج شکل گرفت به نوعی ناسیونالیسم رمانتیک تبدیل می‌شود.

به تعبیری ناسیونالیسم رمانتیک همان شیفتگی به گذشته ایران است (نک. جعفری، ۱۳۸۶: ۴۴). اساساً نمونه‌های بسیاری از رمان‌ها و رمانس‌های تاریخی عصر مشروطه تحت تأثیر رمانتیسم فرانسه به نگارش درآمد (همان: ۴۱)، اما باز هم نباید از تقلیدی بودن این ناسیونالیسم غافل شد. در تهران مخوف نویسنده سعی دارد بر مفهوم ملیت و وطن‌پرستی تکیه کند. در جایی از داستان راوی از زبان یک شخصیت مذموم به نحوی کاملاً مستقیم بیان می‌کند که ملی‌گرایی و توجه به قومیت معادل است با پایبندی به سنت‌ها (مشفق کاظمی، ۱۳۴۰: ۳۱۷) و بسیار روشن است که بیان این گونه مطالب از زبان شخصیتی مذموم در جهت انتقاد از چنین نگرشی است و این در حالی است که نویسنده، خود در حقیقت امر از صحت چنین واقعیت تلخی غافل مانده است.

### ۳-۲-۴. محرومان و رنج‌هایشان:

«رمانتیک‌ها فرد ستمدیده و محروم را قربانی نظام اجتماعی می‌دانند و حتی جنایتکاران نیز از حمایت و شفقت رمانتیک‌ها برخوردار می‌شوند؛ زیرا اینان خود قربانیانی هستند که تباهی‌های اجتماعی مانع ظهور و بروز فضیلت‌های ذاتیشان شده است.» «در بینش رمانتیک اگر قیدوبندهای اجتماعی از سر راه اینگونه افراد برداشته شود و به راه درست هدایت شوند، چه بسا افرادی شرافتمند و پاک‌نهاد و بلندهمت باشند» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۸۰) که نمونه بارزش شخصیت‌های اصلی در بینوایان است. البته باید در نظر داشت که شرایط ایران دوره مورد نظر با فرانسه دوره هوگو بسیار متفاوت بود. به عنوان مثال؛ همان‌طور که ذکر شد تحت تأثیر مدرنیته و خردگرایی و تسلط قانون خشک و سخت‌گیرانه شخصیت‌های اصلی بینوایان بویژه ژان والژان زندگی نکبت‌باری را تجربه می‌کردند، اما در ایران اساساً نه چنین چیزی وجود داشت و نه می‌شد حتی به صورتی تخیلی چنین اجتماعی را تصور کرد. وقتی هوگو از پیامدهای مدرنیته در فرانسه سخن می‌گوید این امر دامن‌گیر بخش اعظمی از مردم فرانسه است، اما در ایران عصر مشروطه، به هیچ وجه چنین چیزی قابل تصور نیست؛ بنابراین در ایران درصد بسیار محدودتری درگیر این مسائل هستند و طبیعی است که انتظار نداشته باشیم آثار نویسندگان ما همچون آثار هوگو طرفدار پیدا کند و به عنوان یک مکتب فکری مورد قبول واقع شود و در جامعه تأثیر آنچنانی داشته باشد.

به بیان دیگر، سخن نویسندگان ما حرف دل عده بسیار معدودی از رنج‌کشیدگان کل جامعه است نه همه آن‌ها. درصد بسیار بالایی از مردم در این نوع رمانتیسم از قلم‌افتاده و نادیده گرفته شده‌اند. این امر یکی از دلایل اصلی اثبات این ادعاست که این آثار کاملاً تقلیدی بوده و زمینه فکری - اجتماعی آن در ایران مهیا نبوده است. مشفق کاظمی در بخش‌هایی از رمان از ساختار حاکم انتقاد می‌کند و به مفاهیمی همچون دموکراسی و حکومت مردم بر مردم می‌پردازد (نک. مشفق کاظمی، ۱۳۴۰: ۱۶۶ و ۱۳۴۰: ۲۶۲) و این امر جنبه‌ای بی‌سار تقلیدی دارد؛ زیرا هیچ بستری برای تحقق این آرمان وجود ندارد.

البته نمونه‌هایی از توجه به مسائل اساسی که قشر رنجبران با آن درگیر هستند نیز مطرح شده‌است. به عنوان مثال؛ نویسنده بارها از قدرت حاکم و نظام استبدادی و همچنین سوء استفاده از دین انتقاد می‌کند و بارها به خرافاتی که در جامعه موج می‌زند و موجب بسیاری از بدبختی‌هاست اشاره می‌کند (نک. مشفق کاظمی، ۱۳۴۰: ۸۷، ۱۶۴، ۱۸۱، ۲۴۴ و ۲۵۷)، اما این تنها به عنوان گام کوچکی در این راه است و اشاره‌ای گذرا و کم ارزش در مقابل آنچه به عنوان مثال در آثار صادق هدایت در نقد خرافه‌گرایی به نگارش درآمده‌است.

کتاب بینوایان «دادخواستی است برای بینوایان که از بینوایی رنج می‌برند و بینوایی بی‌آبرویشان کرده‌است که از رساترین حنجره این روزگار برآمده است» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۸۰). در مقابل آنچه ما در تهران مخوف شاهد آن هستیم، سخن از رنج‌دیدگانی است که به هیچ وجه نماینده اکثریت جامعه نیستند و صرفاً شخصیت‌های خیالی هستند که به تقلید از غرب ساخته و پرداخته شده‌اند تا از رنج‌هایی خیالی و فانتزی سخن به میان آورند. مفاهیمی که تنها مخاطبان آن درصد بسیار ناچیزی از باسوادان اندک جامعه هستند که با جهان غرب اندک آشنایی دارند. این اثر به هیچ وجه روایتگر آمال رنج‌دیدگان حقیقی این جامعه نیست. به همین دلیل در تحقق اهداف خود ناموفق است. اگرچه به عنوان تهرینی در راه ورود به رمان‌نویسی نوین کمک شایانی به نویسندگان بعدی کرده است.

#### پی‌نوشت:

۱. ر.ک: میرعابدینی، صدسال داستان نویسی ایران. (ج ۲ و ۱). صفحات ۷۳، ۷۹ و ۸۹.
۲. در خصوص تأثیرپذیری نویسندگان ایرانی از رمانتیک‌های فرانسوی و ویکتور هوگو ر.ک: محمدعلی سپانلو، نویسندگان پیشرو ایران. صفحه ۵۸ و میرعابدینی، صدسال داستان نویسی ایران، صفحه ۵۴.
۳. عباراتی چون آسیاب بادی زاییده جامعه فئودالی بود و ماشین بخار زاییده جامعه صنعتی. انقلاب‌های اجتماعی ناشی از وجود فقر و نابرابری اجتماعی هستند. شیوه معیشت تعیین‌کننده نظام بادیه‌نشینی است. بیانگر تبیین مادی‌گرایانه از جامعه، تاریخ و تحولات و تغییرات مربوط به آن‌ها هستند (غفاری، ۴۴).

#### ۴. نتیجه‌گیری

بررسی زمینه‌های فکری - اجتماعی خلق یک اثر ادبی از دیرباز مورد توجه منتقدان بوده‌است. توجه به رمانتیسم و گسترش آن در میان نویسندگان و شاعران پس از دوره مشروطه تحت تأثیر عواملی بوده که توجه چندانی به آن‌ها نشده‌است. و تنها در برخی از کتاب‌های نقد به گرایش‌های رمانتیکی نویسندگانی مثل مشفق کاظمی اشاره شده‌است.

این مقاله با مقایسه ساختار اجتماعی دو کشور فرانسه و ایران به دنبال تبیین این مسأله بود که اساساً ساختار اجتماعی فرانسه با رواج رمانتیسم در آن کشور مناسبت فکری - اجتماعی داشته‌است؛ اما وقتی در کشوری مثل ایران گرایش‌هایی به رمانتیسم ایجاد می‌شود، نمی‌توان بدون توجه به زمینه‌های اجتماعی این کشور موفقیت چنین مکتبی را پذیرفت. با توجه به مباحث مطرح‌شده، این نتیجه حاصل شد که در خصوص رمان‌هایی همچون تهران مخوف اگرچه می‌توان شباهت‌هایی با آثار رمانتیک فرانسه یافت؛ اما در مجموع خلق این آثار به تقلیدی کودکانه می‌ماند که هیچ یک از زمینه‌های خلق اثر رمانتیک را ندارند و صرفاً تحت تأثیر آشنایی با آثار رمانتیک فرانسه نوشته شده‌است و با وجود اینکه از نظر محتوایی و پیشگام‌بودن در داستان‌نویسی دارای اهمیت هستند، از نظر موفقیت در مکتب ادبی مورد نظر به هیچ وجه قابل دفاع نیستند.

## منابع

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۹۷). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۹۴). فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت. تهران: گستره.
- احمری، حمیدرضا. (۱۳۷۴). «هوگو و رمانتیسم». مجله مشرق. شماره ۵۵. صص ۶۲ - ۶۴.
- اکشلال، رابرت و دیگران. (۱۳۷۵). مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ترجمه محمد قائد. تهران: نشر مرکز.
- باربیه، موریس. (۱۳۸۳). مدرنیته سیاسی. ترجمه عبدالوهاب احمدی. تهران: آگه.
- برلین، آیزایا. (۱۳۸۵). ریشه‌های رمانتیسم. ترجمه عبدالله کوثری. تهران: نشر ماهی.
- جعفری، مسعود. (۱۳۸۶). سیررمانتیسم در ایران از مشروطه تا نیا. تهران: مرکز.
- جعفری، مسعود. (۱۳۷۸). سیر رمانتیسم در اروپا. تهران: مرکز.
- زهراکار، مهران. (۱۳۸۹). مقایسه ریشه‌های اجتماعی انقلاب مشروطه در ایران و انقلاب کبیر فرانسه. تهران: آبگین رایان.
- زیا کلام، صادق. (۱۳۸۴). ما چگونه ما شدیم. تهران: انتشارات روزنه.
- زیا کلام، صادق. (۱۳۹۴). سنت و مدرنیته. تهران: روزنه.
- سپانلو، محمدعلی. (۱۳۷۴). نویسندگان پیشرو ایران. تهران: انتشارات نگاه.
- طباطبایی، جواد. (۱۳۸۲). تاریخ اندیشه سیاسی جدید در اروپا. تهران: آگه.
- غفاری، غلامرضا و ابراهیمی لویه، عادل. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی. تهران: آگرا.
- مسعود، محمد. (۱۳۸۴). تفریحات شب. تهران: تلاونگ.
- مشفق کاظمی، مرتضی. (۱۳۴۰). تهران مخوف. تهران: ابن سینا.
- مشفق کاظمی، مرتضی. (۱۳۴۰). یادگار یک شب. تهران: ابن سینا.
- میرعابدینی، حسن. (۱۳۷۷). صد سال داستان نویسی ایران. (ج ۱ و ۲). تهران: چشمه.
- وان تیژم، فیلیپ. (۱۳۷۰). رمانتیسم در فرانسه. ترجمه غلامعلی سیار. تهران: بزرگمهر.
- هوگو، ویکتور. (۱۳۶۳). بینوایان. ترجمه حسینقلی مستعان. تهران: امیرکبیر.
- هوگو، ویکتور. (۱۳۹۰). بینوایان. ترجمه محمد مجلسی. تهران: نشر دنیای نو.

## References

- Abrahamian, E. (2018). *Iran between two revolutions* (A. Golmohammadi & M. E. Fattahi, Trans.). Tehran: Nashr-e Ney.
- Adamiyat, F. (2015). *The idea of freedom and the prelude to the constitutional movement*. Tehran: Gostareh.
- Ahmari, H. (1995). Hugo and romanticism. *Mashreq Journal*, (5), 62–64.
- Eccleshall, R., et al. (1996). *Political ideologies: An introduction* (M. Ghaed, Trans.). Tehran: Nashr-e Markaz.
- Barbier, M. (2004). *Political modernity* (A. Ahmadi, Trans.). Tehran: Agah.
- Berlin, I. (2006). *The roots of romanticism* (A. Kowsari, Trans.). Tehran: Nashr-e Mahi.
- Jafari, M. (2007). *The course of romanticism in Iran: From the Constitutional Revolution to Nima*. Tehran: Markaz.
- Jafari, M. (1999). *The course of romanticism in Europe*. Tehran: Markaz.
- Zahrakar, M. (2010). *A comparison of the social roots of the Iranian Constitutional Revolution and the French Revolution*. Tehran: Abgin Rayan.
- Zibakalam, S. (2005). *How did we become who we are?* Tehran: Rozaneh.
- Zibakalam, S. (2015). *Tradition and modernity*. Tehran: Rozaneh.
- Sepanlou, M. A. (1995). *Iran's progressive writers*. Tehran: Negah.
- Tabatabaei, J. (2003). *The history of modern political thought in Europe*. Tehran: Agah.
- Ghaffari, G., & Ebrahimi Looieh, A. (2010). *Sociology of social change*. Tehran: Agra.
- Masoud, M. (2005). *Nightly amusements*. Tehran: Talavang.
- Moshfegh Kazemi, M. (1961a). *Tehran-e makhuf* [The terrifying Tehran]. Tehran: Ibn Sina.
- Moshfegh Kazemi, M. (1961b). *Yadegār-e yek shab* [A memory of one night]. Tehran: Ibn Sina.
- Mirabedini, H. (1998). *One hundred years of Iranian fiction* (Vols. 1–2). Tehran: Cheshmeh.
- Van Tieghem, P. (1991). *Romanticism in France* (G. Sayyar, Trans.).

Tehran: Bozorgmehr.

Hugo, V. (1984). *Les misérables* (H. Q. Mošta'an, Trans.). Tehran: Amir Kabir.

Hugo, V. (2011). *Les misérables* (M. Majlesi, Trans.). Tehran: Donyaye Now.